نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام
جلد ۸/ شماره ۲/ پیاپی ۱۶/ پاییز و زمستان ۱۴۰۲ (۱۷۸-۱۹۶)

نوع مقاله : پژوهشی

بررسی، مطالعه و ارزیابی ساختار فضایی و استخوان‌بندی شهرهای سیستان در دوران تاریخی*

جواد علایی مقدم[1]، شریفه سرگلزایی [2]**

چکیده

سیستان واقع در شرقی‌ترین قسمت ایران‌زمین، بقایای از ایالتی کهن است که در طول تاریخ با عناوین مختلفی چون زرنکا، درنگیانا، سکستان و سیستان شناخته می‌شده است. این منطقه از اواسط هزاره چهارم ق. م تا زمان حاضر دارای شواهد استقراری می‌باشد که بسیاری از آنها بقایای شهرها کوچک و بزرگ باستانی است. منابع تاریخی، از دوران امپراتوری هخامنشیان تا پایان دوران ساسانی، از شهرهایی در منطقه سیستان یاد می‌کند که در زمان خود مرکز این ایالت شرقی بوده‌اند، ولی در حال حاضر مکان اصلی بسیاری از آنها نامشخص می‌باشد. از سوی دیگر عدم شناخت این شهرها، امکان مطالعه روند شهرسازی در این منطقه را دچار مشکل نموده است. در این راستا نگارندگان برآنند در راستای شناسایی مکان شهرهای اصلی سیستان در دوران تاریخی و ارزیابی ساختاری این شهرها، در ابتدا بر اساس رهیافت تاریخی محوطه‌های قابل تطبیق با شهرهای مذکور در منابع تاریخی را یافته و پس از آن با مشخص نمودن ویژگی‌های معماری و شهرسازی هر یک از این شهرها، به بررسی روند شهرسازی دوران تاریخی سیستان باستان بپردازند. نتایج بیانگر آن است که از دوران هخامنشی تا پایان دوران ساسانی پنج شهر اصلی و مرکزی در سیستان شکل گرفته است. این شهرها شامل زارین (زرین شهر)، پروفتازیا، اگریاسپی، رام‌شهرستان و زرنگ است که به ترتیب برابر با محوطه‌های دهانه غلامان، قلعه فراه، قلعه سام، تپه شهرستان و محوطه نادعلی می‌شوند. ساختار فضایی و الگوی شهرسازی در این گستره زمانی بارها تغییر نموده است و در نهایت منجر به ایجاد شهرهای بزرگ اواخر ساسانی و اوایل دوران اسلامی شده است.

واژگان کلیدی: سیستان، شهرهای باستانی، رهیافت تاریخی، مطالعات تطبیقی، ساختار فضایی.

ارجاع: علایی مقدم، جواد؛ سرگلزایی، شریفه. ۱۴۰۲. بررسی، مطالعه و ارزیابی ساختار فضایی و استخوان‌بندی شهرهای سیستان در دوران تاریخی. نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام. ۸ (۲) : ۱۷۸-۱۹۶.

---

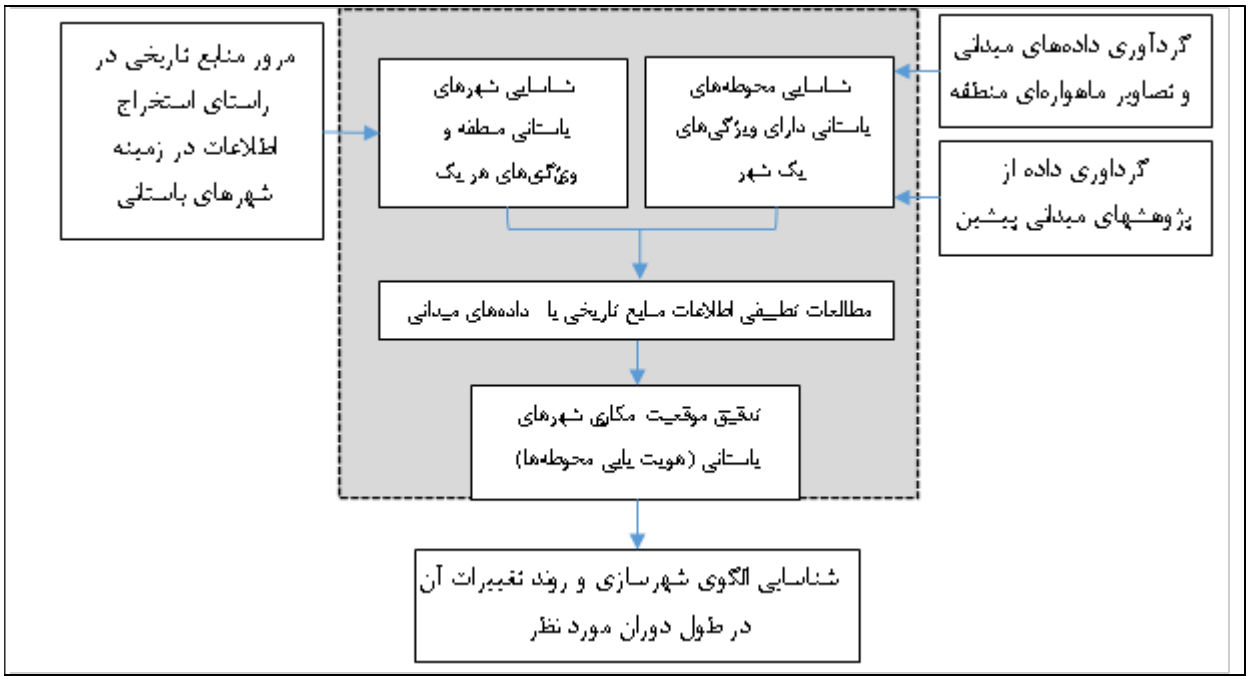
*بخشی از تحقیقات باستان شناسی این مقاله با استفاده از کمک هزینه پژوهشی دانشگاه زابل UOZ-GR-3362 انجام شده است.

۱- استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه زابل، زابل، ایران.
** نویسنده مسئول: javadalaei@uoz.ac.ir
۲- استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه زابل، زابل، ایران.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۸

مقدمه

در دوران گذشته سیستان سرزمین بزرگ و ثروتمندی بود که به واسطه آب فراوان و موقعیت سوق‌الجیشی خاصی که داشت در طول تاریخ همواره مورد توجه حکومت‌ها و قدرت‌های حاکم در ایران و حکومت‌های همسایه قرار می‌گرفت، همین امر موجب افزایش جمعیت این منطقه و به تبعیت از آن ایجاد مراکز جمعیتی کوچک و بزرگ در منطقه در تمام دوران گردید. بررسی‌ها نشان می‌دهد بر اساس تقسیم‌بندی کلی دوران‌های استقراری، مقوله شهر و شهرنشینی در سیستان به سه دوره قابل تفکیک است. نخست، عصر مفرغ، سپس دوران تاریخی (هخامنشی، سلوکی، اشکانی و ساسانی) و در نهایت دوران اسلامی.

پایه‌های شهرنشینی در سیستان از اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد شکل گرفت و شهر سوخته به عنوان کهن‌ترین شهر سیستان، نزدیک به هزار سال به حیات خود ادامه داد (سیدسجادی، ۱۳۸۵: ۱۹). پس از یک دوره فترت در سیستان، شواهد استقراری از دوران هخامنشی (و شاید کمی قبل از آن) قابل مشاهده است (موسوی‌حاجی و مهرآفرین، ۱۳۸۷) به طوری که از این زمان به بعد در سیستان مراکز سکونتی متعدد و شهرهای کوچک و بزرگی شناسایی شده است. به عبارت دیگر از دوران هخامنشی تا پایان دوران ساسانی محوطه‌های شاخص و بزرگی شناسایی شده‌اند که می‌توان آنها را بقایایی از شهرهای باستانی دانست. منابع تاریخی نیز از شهرهای متعددی در سیستان باستان یاد می‌کنند که متاسفانه مکان اصلی آنها نامشخص است. لازم به ذکر است که بررسی روند شهرسازی در یک منطقه نیازمند مطالعه دقیق استخوان‌بندی، ساختار فضایی و عناصر کالبدی شهرهای ادوار مختلف است که تاکنون در شهرهای دوران تاریخی سیستان به آن پرداخته نشده است. از این رو، این پژوهش با استفاده از روش رهیافت تاریخی به دنبال مشخص نمودن موقعیت مکانی این شهرها و سپس بررسی ساختار آنها است. در این راستا، در گام اول پژوهش به معرفی روش انجام تحقیق و همچنین روش مورد استفاده برای تحلیل داده‌ها اشاره می‌شود. سپس در گام دوم، با استفاده از مرور منابع تاریخی به مطالعه پیشینه پژوهش پرداخته و در خلال آن سعی در شناخت سکونتگاه‌های احداث شده در دوران تاریخی دارد. در این مرحله با استفاده از مقایسه تطبیقی ویژگی‌های ساختاری این سکونتگاه‌ها با شواهد و ویژگی‌های محوطه‌ها و ویرانه‌های باستانی سعی بر آن است که مکان دقیق آنها مشخص گردد. در نهایت نیز با مطالعه شاخصه‌های موجود در هر یک از این شهرها، به الگوهای شهرسازی و روند تغییرات آن در طول دوران تاریخی پرداخته می‌شود.



شکل ۱. فرآیند انجام پژوهش با استفاده از روش رهیافت تاریخی (نگارندگان)

روش شناسی

این پژوهش از حیث ماهیت از نوع پژوهش‌های بنیادی است. از نظر شیوه و روش از یک سو جزء تحقیقات تاریخی و از سوی دیگر از نوع تحقیقات توصیفی- تحلیلی می‌باشد. در این پژوهش تکیه بر رویکرد رهیافت تاریخی است. اطلاعات مورد نیاز در این مقاله از یک سو به صورت اسنادی و از یک سو به صورت بازدید میدانی و تحلیل تصاویر ماهواره‌ای گردآوری می‌شوند.

پیشینه پژوهش

بررسی منابع نشان می‌دهد با وجود انجام مطالعات گسترده باستان‌شناسی در مورد محوطه‌های تاریخی در سیستان، تعداد بسیار محدودی از آن‌ها به شناسایی ویژگی‌های ساختاری و نقش شهرها در این منطقه پرداخته‌اند و مطالعات موجود جز در چند مورد، بیشتر به توصیف شواهد و یافته‌ها پرداخته است. به طور کلی مهمترین مطالعات در زمینه شهرهای باستانی سیستان که متکی به پژوهش‌های مستقل باستان‌شناسی است در جدول شماره ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱. مهمترین مطالعات صورت گرفته در زمینه شهرهای باستانی سیستان (نگارندگان)

ردیف	موضوع	پژوهشگر	منبع
۱	پژوهش پیرامون شهرنشینی در عصر مفرغ سیستان (شهرسوخته)	موریتسو توزی سید منصور سیدسجادی	Tosi,1976 سیدسجادی، ۱۳۸۴
۲	پژوهش پیرامون شهر هخامنشی دهانه غلامان	امبرتو شراتو سید منصور سیدسجادی	Scerrato, 1979 سیدسجادی، ۱۳۹۸
۳	پژوهش پیرامون رام‌شهرستان دوران ساسانی	رضا مهرآفرین	Mehrafarin & Mousavi Haji, 2010
۴	پژوهش پیرامون شهر تاریخی زاهدان کهنه	سید رسول موسوی‌حاجی	موسوی حاجی، ۱۳۸۸
۵	پژوهش پیرامون شهرهای اشکانی در منابع تاریخی	رضا مهرآفرین	مهرآفرین و روستایی، ۱۳۹۳
۶	پژوهش پیرامون قلعه سام اشکانی	جواد علایی مقدم	علایی مقدم، ۱۳۹۸

شهرهای دوران تاریخی سیستان بر اساس منابع موجود

هر چند استقرار در سیستان به اواسط هزاره چهارم ق. م برمی‌گردد، لیکن نخستین شهر که همان شهر سوخته است، چند قرن پس از آن در این منطقه شکل گرفت. این شهر تا اواخر هزاره سوم ق. م نیز به حیات خود ادامه داد و پس از آن استقرار در آن به شکل یک روستای کوچک تا اوایل هزاره دوم ق. م تداوم یافت. پررونق‌ترین و وسیع‌ترین حالت این شهر مربوط به سال‌های ۲۸۰۰ تا ۲۵۰۰ ق. م است که در آن وسعت شهر به حدود ۸۰ هکتار رسیده است (سید سجادی، ۱۳۸۷: ۴۰۸-۴۱۱).

مرور منابع تاریخی نشان می‌دهد که قدیمی‌ترین اشاره به شهر در سیستان مربوط به دوران هخامنشی است و در منابع تاریخی به هیچ شهری مربوط به دوران کهن‌تر اشاره نشده است. بر اساس این منابع در منطقه سیستان از دوران هخامنشی تا پایان دوران ساسانی، از چند شهر مهم یاد می‌شود که البته محدوده پراکنش آنها شامل سیستان بزرگ و تاریخی است. در ادامه به شهرهای ثبت شده در دوره‌های هخامنشی، سلوکی- اشکانی و ساسانی اشاره می‌شود.

شهر مرکزی سیستان در دوران هخامنشی

اطلاعات در مورد شهرهای هخامنشی در ایالت شرقی ایران بسیار کم است و در مورد سیستان این مساله بیشتر به چشم می‌خورد. منابع تاریخی موید آن است که سیستان در دوران امپراتوری هخامنشی به عنوان ایالت زرنکا خوانده می‌شده است. هر چند به طور قطع نمی‌توان در مورد چگونگی الحاق سیستان به امپراتوری هخامنشی سخن راند، اما هرودت به کمک زرنگیان به کوروش در زمان مبارزه با سکاها اشاره می‌کند. (Herodotes, 1806: 8) اولین اشارات به این ایالت در منابع باقی

مانده از خود هخامنشیان، از زمان داریوش اول است، به نحوی که زرنکه را چهاردهمین ساتراپ امپراتوری معرفی می‌نماید (توین‌بی، ۱۳۷۸: ۲۰۹). علاوه بر کتیبه‌های داریوش هخامنشی در نقش رستم و شوش و تخت جمشید، در کتیبه‌های باقی مانده از خشایارشا و اردشیر سوم نیز نام زرنکه ذکر شده است (Sharpe, 2004: 33). همانطور که اطلاعات در مورد این ایالت اندک است، در مورد شهر مرکزی ان نیز بسیار ناچیز می‌باشد و فقط در دو منبع تاریخی شامل کتزیاس (Ctesias, 2010)، از زمان اردشیر دوم هخامنشی و ایزیدور خاراکسی در قرن اول ق. م می‌شود. در منابع فوق، از شهری به نام زارین در نزدیکی دریاچه هامون یاد می‌شود که به دستور حکومت مرکزی هخامنشی در زمان داریوش اول ساخته شده است. این شهر در سال‌های بعد یعنی در زمان داریوش دوم دچار هرج و مرج شده و برای مدتی حکومتی مستقل در آن ایجاد می‌شود (Gnoli,1993: 585).

شهرهای مرکزی سیستان در دوران سلوکی و اشکانی

بر اساس منابع، احتمالا پس از دوران هخامنشی، در دوران سلوکی و اشکانی سیستان به دو خوره‌ی شمالی و جنوبی تقسیم می‌شد و هر خوره دارای یک مرکز و چندین شهر بوده است. خوره شمالی سیستان، درنگیانا (زرنگیا) و خوره جنوبی سیستان، آریاسپه (اگریاسپی) نامیده می‌شد (مهرآفرین و روستایی، ۱۳۹۳: ۹۵).

بطلمیوس در قرن دوم پیش از میلاد از یازده شهر بزرگ و معروف دارنگیانا (سیستان) این گونه نام می‌برد: پروفتازیا[xxxvi] (که بنا به نظر اراتوسنتیس به مقدار ۱۶۰۰ـ۱۵۰۰ «استادیا» از اسکندریه «اریون» (هرات) فاصله داشت)، فارازارا[xxxvii]، رودا[xxxviii]، اینا[xxxix]، اریکادا[xl]، گذارزیار[xli]، نوستانا[xlii]، فارازانا[xliii]، بی‌گیس[xliv]، آرانا[xlv] و آریاسپ یا اگریاسپ[xlvi] (سیستانی، ۱۳۴۴ : ۶۹۵-۶۹۶).

خاراکسی در درانگیانا فقط از دو شهر «پاریوگ» و «کوروک» یاد می‌کند ولی در ساکستانا شهرهای «باردا»، «مین»، «پالاکتنی» و «سایگل» که مرکز مملکت بوده را نام برده است (سیستانی، ۱۳۶۴ : ۵). پتولمایوس نیز از شهری به نام «استه» در درنگینه نام برده است که ظاهرا هسته یک دژ بود (کخ، ۱۳۸۰: ۳۳). مهرآفرین در مورد مکان اگریاسپی (آریاسپه) نظر دقیقی بیان نمی‌کند و در این خصوص اعلام می‌دارد که معلوم نیست آیا آریاسپه نام یک شهر بوده یا این که نام قومی از مردم درنگیانا است که در دشت جنوبی سیستان (منطقه رامرود) می‌زیسته‌اند (مهرافرین، ۱۳۸۳: ۸۴).

محمد اعظم سیستانی بر اساس پژوهش‌های خود بیان می‌دارد، دو شهر مهم دوره اشکانی پروفتازیا و اگریاسپی بوده‌اند که به ترتیب در شمال و جنوب سیستان قرار داشته‌اند (سیستانی، ۱۳۴۴: ۶۹۵-۶۹۶۹). در این‌باره در منابع دیگری آمده است که پروفتازیا شهری بود که اسکندر مقدونی در ماجرای شورش ساتی‌برزن و برزانتس، وارد آن می‌شود (Fairservis, 1961; 33) و پس از آن هم به جنوب سیستان رفته و دو ماه در اگریاسپی اقامت نموده و آذوقه سپاه خود را مهیا می‌نماید (فریه، ۱۳۷۸: ۵).

شهرهای مرکزی سیستان در دوران ساسانی

در هیچ دوره‌ای از تاریخ ایران همچون ساسانیان به ساخت و تکمیل شهر اهمیت داده نشده‌است (مهرآفرین، ۱۳۹۲: ۶۳). در میان تمام شهرهای سیستان، رام‌شهرستان اولین شهر باستانی است که در مورد آن توسط جغرافی‌نگاران مسلمان مباحثی مطرح شده است. این شهر که مهمترین شهر سیستان در دوران ساسانی، تا قبل از ساخت زرنگ به شمار می‌رفته، نظر بیشتر جغرافی‌نویسان اسلامی را به خود جلب نموده است (Mehrafarin and Mousavi Haji, 2010: 256). جیهانی (قرن سوم هجری) در کتاب «اشکال العالم»، شهر قدیم سیستان در دوران ساسانی را رام‌شهرستان می‌نامد و بیان می‌دارد علت متروک شدن آن تغییر مسیر رودخانه بوده است. وی بیان می‌دارد که پس از متروک شدن این شهر، شهر زرنج بنا شده است (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۶۲). ابن حوقل (۱۳۶۶ :۱۵۴) نیز در مورد رام‌شهرستان مطالبی مشابه جیهانی بیان می‌دارد.

در کتاب «مسالک و ممالک» اصطخری نیز رام‌شهرستان را شهر مرکزی دوران ساسانی معرفی نموده و مکان آن را بین شهر سیستان و کرمان می‌داند. وی علت نابودی این شهر را تخریب شدن بند کی در محلی به نام سوکن بیان می‌کند (اصطخری، ۱۳۶۸ : ۱۹۴).

با توجه به مطالب رساله شهرستان‌های ایران که متنی کوچک به زبان پهلوی ساسانی، متعلق به قرن سوم هجری قمری است، اصل شهر رام‌شهرستان متعلق به دوران قبل از ساسانیان است که پس از ویران شدن، بدست کیخسرو و پس از آن توسط اردشیر ساسانی بازسازی می‌شود (هدایت، ۱۳۴۸: ۲۵۶-۲۵۷).

در کتاب تاریخ سیستان نامی از رام‌شهرستان نیامده است و تنها در قسمتی که به جایگاه شهر سیستان می‌پردازد اشاره مختصری به کرسی سیستان در گذشته دور کرده و چنین می‌نویسد: «اسکندر رومی، چون دارا ابن داراب کشته شد و روشنک را به زنی کرد و قصد هند کرد، به سیستان رفت و بر آن قلعه شد که کی‌خسرو بنا کرده بود بر شمال قلعه سیستان، و قلعه دیگر است بر جنوب که پس از آن اردشیر بابکان کرده بود» (تاریخ سیستان، ۱۳۸۷ : ۵).

هر چند جوزجانی در قرن هفتم هجری نامی از رام‌شهرستان نمی‌آورد لیکن در قسمتی از سفرنامه خود در مورد پایتخت قدیم سیستان چنین بیان می‌دارد: «موضعی دیدم در جنوب شهر سجستان که آن را در طعام گویند. بیرون شهر که آن موضع را ریگ گنجان گویند. در جوار آن موضع بر سر بلندی قصری خرابست. ... بیرون شهر سیستان موضعی است که در قدیم‌الایام شهر آنجا بود. نام آن شهر حشوی گویند. در شب تمام مردم سیستان و اهل سیف آن جا جمع شدند و بامداد خروج کردند و ملک شمس‌الدین را با ۱۸ پسر شهید کردند» (جوزجانی، ۱۳۴۲ : ۱۹۷).

بر اساس منابع یاد شده، شهر اصلی سیستان در اوایل دوران ساسانی رام‌شهرستان بوده است که در جنوب شهر سیستان باستان (زاهدان کهنه) قرار داشته و در اواخر دوران ساسانی بر اثر تغییر مسیر رودخانه هیرمند، متروک شده است.

آخرین شهر دوره تاریخی سیستان که در اواخر دوره ساسانی ساخته شد و تا قرن چهارم هجری به عنوان شهر مرکزی سیستان شناخته می‌شود، شهر زرنگ است (موسوی‌حاجی و مهرآفرین، ۱۳۸۸: ۶۹-۷۱). در واقع زرنگ یا زرنج پایتخت بزرگ و افسانه‌ای سیستان است که بیش از هر شهری از آن در متون جغرافی‌نگاران و تاریخ‌نویسان مسلمان یاد شده است. جوزجانی (۱۳۴۲ : ۱۹۷) بنای شهر زرنگ را مربوط به اواخر دوران پادشاهی عجم می‌داند که بعد از متروک شدن رام‌شهرستان، مردم سیستان آن را بنا کردند. این شهر تا اواخر قرن چهارم ه. ق دارالحکومه و مرکز سیستان بوده است (بیانی و موسوی حاجی،۱۳۸۱: ۵۴۳). در تاریخ سیستان (بی‌نام، ۱۳۸۷: ۴۹-۵۰)، احیاء الملوک (ملک شاه حسین، ۱۳۸۳: ۲۳) و گشاسپ‌نامه (اسدی توسی، ۱۳۱۷: ۲۳۷) بانی این شهر گرشاسب نیای بزرگ رستم معرفی شده است.

مرور اطلاعات تاریخی نشان می‌دهد آنچه در منابع در مورد ویژگی‌های ساختاری این شهر بیان شده اکثرا مربوط به دوران اسلامی است، اما این امر حاکی از آن است که به احتمال فراوان ویژگی‌های ساختاری، استخوانبندی و ساختار فضایی شهر ریشه در ساختار اولیه یعنی دوران ساسانی دارد.

این شهر که در زمان یورش سپاه اعراب مهمترین و بزرگترین شهر سیستان محسوب می‌شده است (بلاذری، ۱۳۶۴ : ۱۵۰-۱۴۸)، به لحاظ موقعیت قرارگیری، در شرق رودخانه هیرمند قرار داشت. ساختار کلی شهر شامل شارستان و ربضی بزرگ و محصور است (تاریخ سیستان، ۱۳۸۷: ۱۱۲ و ۳۱۷). شهر خندقی با جریان آب جاری داشته است. شارستان مشتمل بر پنج دروازه آهنی با نام‌های درواره نو و دروازه کهن (که هر دو به سمت فارس بوده‌اند)، دروازه نیشک (به سمت بست)، دروازه کرکویه (به سمت خراسان) و دروازه طعام (به سمت روستاهای پیرامونی) است. ربض این شهر نیز دارای سیزده دروازه چوبی به نام‌های دروازه مینا (به سمت فارس)، دروازه‌های دخان، شیرک، شاراو، شعیب، نوجویک، آکان، نیشک، کرکویه، اسبریس، غنجره، بارستان و روذکران است (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۵۱-۱۵۳). اصطخری (۱۳۶۸: ۱۹۲-۱۹۴) نیز در توصیف این شهر به مواردی مشابه اشاره نموده، لیکن نام دروازه‌ها را متفاوت ذکر می‌کند. وی اذعان می‌دارد که بناهای شهر از گل ساخته شده و استفاده از چوب را به خاطر وجود موریانه منسوخ می‌داند. این شهر دارای سه مسیر اصلی ورود آب بود و در داخل شهر نیز سیستم آبرسانی با استفاده از جوی‌های متعدد صورت می‌گرفته است. در قرون اولیه اسلامی در ربض این شهر بناهای کهن ویرانی وجود داشته که مهمترین آنها ارک خوانده می‌شد. این مکان در زمان عمرولیث صفاری مجدد بازسازی شده است (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۶۲-۱۶۱).

بر این اساس می‌توان گفت در اواخر دوران ساسانی و با متروک شدن رام‌شهرستان، شهر دیگری ایجاد شد که زرنگ نام گرفت و تا قرن‌ها بعد در دوران اسلامی به رشد و توسعه خود ادامه داد. هر چند توصیف‌های موجود از این شهر مربوط به وضعیت آن در دوران اسلامی است، لیکن با توجه به اینکه استخوانبندی و ساختار فضایی شهر در دوران ساسانی ساخته شده است، از این

رو ویژگی‌هایی همچون موقعیت قرارگیری، نقشه و وسعت (حداقل در بخش شارستان به عنوان هسته اولیه)، دروازه‌های قدیم، مسیر ورودی آب و ... در طول قرن‌ها تغییر نکرده است و در نهایت احتمالا فقط بازسازی و ترمیم شده است.

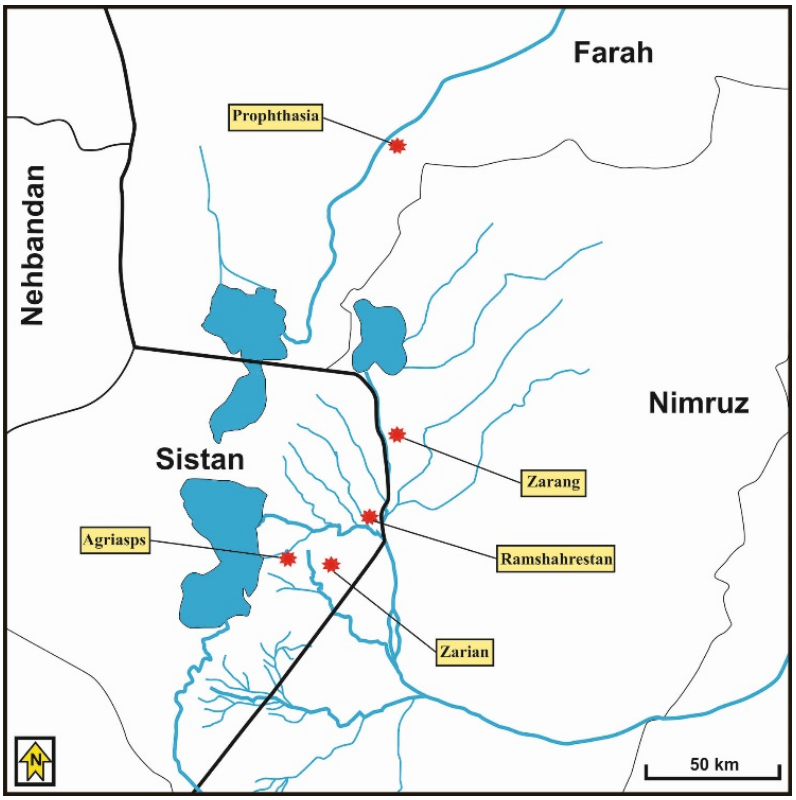
مکان‌یابی شهرهای سیستان در دوران تاریخی

بر اساس پژوهش‌ها و مطالعات باستان‌شناسی صورت گرفته در مورد محوطه‌های باستانی دشت سیستان ایران (موسوی حاجی و مهرآفرین، ۱۳۸۷) و سیستان افغانستان (Fairservies, 1961) و همچنین تطبیق نتایج آن‌ها با مشخصات شهرهای اصلی دوران تاریخی سیستان در منابع تاریخی، می‌توان در مورد مکان شهرهای یاد شده، محوطه‌هایی پیشنهاد داد. جدول ۲ و شکل ۲ خلاصه‌ای از این نتایج را ارائه می‌کند.

جدول ۲. مکان‌یابی شهرهای اصلی سیستان در دوران تاریخی بر اساس مطالعه تطبیقی

دوره	نام شهر در منابع تاریخی	محوطه قابل تطبیق	ویژگی‌های شهر با تکیه بر منابع تاریخی
هخامنشی	زارین (زرین شهر) یا زرکا	دهانه غلامان	- ساخت شده در دوره داریوش اول و به سبک معماری هخامنشی (Stronach, 1985: 610) - در کنار دریاچه هامون (Ctesias, 2010) (Gnoli, 1993:585) - مرکز سیاسی و اداری درنگیا در دوره هخامنشی (Scerrato,1966:25-29)
سلوکی و اشکانی	پروفتازیا	فراه افغانستان	- در زمان حمله اسکندر وجود داشته است و به حیاط خود ادامه داده است - در جنوب هرات (اریون) و شمال سیستان قرار داشت (سیستانی، ۱۳۴۴: ۶۹۵-۶۹۶)
	اگریاسپی	قلعه سام سیستان	- با توجه به دوره ساخت اولیه که می‌بایست دارای فرم هیپودام و منظم باشد - در جنوب سیستان قرار داشته است (سیستانی، ۱۳۴۴: ۶۹۵-۶۹۶) - در کنار رودخانه هیرمند قرار داشته است (فریه، ۱۳۷۸ : ۱۰۹)
ساسانی	رامشهرستان	تپه شهرستان	- نام شهر فوق در زمان مسکون بودن (دوران قبل اسلام) «رام شهرستان» یا «رام شارستان» بوده است (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۶۲) - استقرار در آن احتمالا قبل از دوره ساسانیان آغاز شده ولی شهر در آنجا در اوایل دوره ساسانی ایجاد شده است (هدایت، ۱۳۴۸: ۲۵۶-۲۵۷) - در کنار شاخه ای از رود هیرمند بوده است و در اواخر ساسانی به علت تغییر مسیر رودخانه متروک شده است (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶ :۱۵۴) (اصطخری، ۱۳۶۸ : ۱۹۴) - در جنوب شهر سیستان دوره اسلامی قرار داشته است (جوزجانی، ۱۳۴۲ : ۱۹۷)
	زرنگ	نادعلی افغانستان	- مهمترین و بزرگ ترین شهر سیستان در اواخر ساسانی (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۶۲) و زمان حمله اعراب (بلاذری، ۱۳۶۴ : ۱۵۰-۱۴۸) - واقع در شرق هیرمند (بی‌نام، ۱۳۸۷: ۱۱-۱۱۲). - شهر چند بخشی (دارای کهندژ، شارستان و ربض) - دارای حصار در شارستان و ربض (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱۵۱-۱۵۳). - دارای خندق پیرامونی با آب جاری - دارای پنج دروازه در شارستان و ۱۳ دروازه در حصار ربض (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۹۲-۱۹۴). - وجود کاخ و بناهای رفیع قبل اسلام در بخش ربض (جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۶۲-۱۶۱).

با توجه به مطالب یاد شده می‌توان بیان نمود پنج محوطه بزرگ دهانه غلامان، فراه، قلعه سام، تپه شهرستان و نادعلی، بقایای شهرهای اصلی سیستان باستان از اوایل دوران هخامنشی تا اوایل دوره اسلامی می‌باشند. هر یک از مکان‌های فوق با توجه به مطالعات باستان‌شناسی صورت گرفته دارای ساختار و ویژگی‌های خاصی هستند که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد.



شکل ۲. موقعیت شهرهای اصلی سیستان در دوران تاریخی (نگارندگان)

بررسی استخوانبندی و ساختار فضایی شهرهای سیستان در دوران تاریخی

دهانه غلامان (زارین/ زرین شهر/ زرکا)

محوطه معروف دهانه غلامان که به عنوان بزرگ‌ترین محوطه‌ی از دوران هخامنشی در شرق ایران شناخته شده است، در سال ۱۹۶۰ میلادی توسط امبرتو شراتو کشف و شناسایی شد. وی از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵ میلادی اقدام به حفاری در این محوطه نمود که طی آن موفق به کشف معماری منحصر به فردی گردید (Scerrato, 1979: 709-731). بر اساس نظر او این محوطه شهری با عظمت از دوره هخامنشی، متشکل از دو قسمت است؛ بخش شمالی یا هستهٔ اصلی شهر و دیگری قسمت جنوبی یا بخش موسوم به پادگان (Scerratto 1966 :9-30). مرحله دوم مطالعات باستان‌شناسی صورت گرفته در این محوطه از سال ۱۳۷۹ به سرپرستی سید منصور سید سجادی (سید سجادی، ۱۳۸۴) آغاز گردید که در چندین فصل ادامه یافت.

به لحاظ موقعیت جغرافیایی، این شهر بر روی یک تراس طبیعی گسترده در میانه دشت سیستان ایران قرار دارد که حدود ۶ متر از زمین‌های پست پیرامونی بلندتراست. شراتو معتقد است ساختن این شهر در این مکان، به دلیل دفاع از آن در مقابل سیلاب‌های بزرگ و ناگهانی رودخانه هیرمند و همچنین تسلط و استفاده بهتر از زمین‌های قابل کشت پیرامونی بوده است (Scerratto, 1979 :711). در وضعیت فعلی پیرامون محیط این شهر حصاری قابل مشاهده نیست و بقایای بناهای موجود، در فضایی به طول ۱۵۰۰ متر و عرض متغیر بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ متر پراکنده هستند، لیکن به احتمال زیاد وسعت آن بیشتر بوده که در عملیات گسترش مخازن چاه نیمه، تخریب شده است. این شهر در راستای شرقی- غربی گسترش یافته است.

ساختمان‌های موجود در این شهر را می‌توان به پنج گروه اصلی تقسیم نمود؛ ساختمان‌های مسکونی (مانند ساختمان‌های ۱۴،۲۰،۲۳،۲۴)، ساختمان‌های اداری و اجتماعی (مانند ۲۱ و ۲،۳،۱۶،۱۷،۱)، ساختمان‌های مذهبی (ساختمان شماره ۳)، ساختمان‌های صنعتی (ساختمان شماره ۱۵) و ساختمان نظامی (بنای پادگان). جهت قرارگیری ساختمان‌ها شمال‌غرب به

جنوب‌شرق است و آبراهه‌ای بزرگ در این شهر وجود دارد که از بخش شرقی آغاز و پس از یک پیچ به سمت جنوب، مجدد به سمت شمال امتداد یافته و پس از آن در شمال ساختمان شماره ۳ به سمت غرب ادامه می‌یابد.



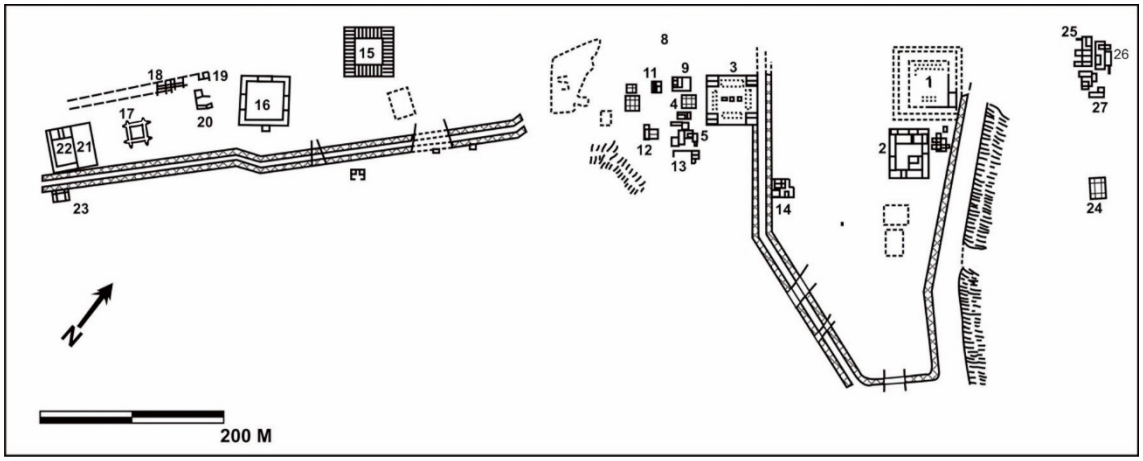
شکل ۳. مناطق مختلف و موقعیت مکانی بناهای شناسایی شده در شهر هخامنشی دهانه غلامان (نگارندگان)

علاوه بر ساختمان‌های مسکونی شرق مجموعه، ساختمان‌های متعدد مسکونی که از نظر نقشه شبیه ساختمان‌های ۲۴ و ۲۵ می‌باشند، در غرب و جنوب ساختمان شماره ۳ (ساختمان مذهبی) وجود دارند. دسترسی‌ها در این محله با کوچه‌هایی شرقی – غربی موازی و البته به موازات کشیدگی شهر و همراستا با ساختار فضایی آن، ایجاد شده است. ساختمان‌های مسکونی جزء کوچکترین ساختمان‌های شهر دهانه غلامان محسوب می‌شوند که دارای نقشه‌ای تقریبا چهار ضلعی راست‌گوشه (مربع) می‌باشند. این ساختمان‌ها معمولا دارای تالار مرکزی همراه با اتاق‌هایی مربع و مستطیل شکل است.

مهمترین بخش مذهبی شناسایی شده در این شهر، بنای شماره ۳ بوده که به نظر می‌رسد مهمترین ساختمان است (Scerratto, 1979 :709-735). این ساختمان بنایی مربع شکل با اضلاعی به طول ۵۳ متر است. دیوارهای پیرامونی ۱۷۰ سانتی‌متر عرض داشته و ورودی ساختمان با عرض ۲۲۰ سانتی‌متر در میانه دیوار جنوب‌شرقی قرار دارد. این بنا از نوع درونگرا به حیاطی مرکزی بوده و دارای چهار ایوان پیرامونی است که هر یک ۱۲ ستون در دو ردیف دارند.

مهمترین و شاخص‌ترین بناهایی که می‌توان برای آنها کاربرد اداری و دولتی متصور شد، ساختمان‌های شماره ۱ و ۲ در بخش شرقی شهر هستند. این ساختمان‌ها راست‌گوشه با وسعتی بیش از ۵۰۰۰ و ۲۲۰۰ مترمربع، با حیاطی مرکزی می‌باشند. ساختار معماری در این بناها نیز متشکل از اتاق‌های متعدد پیرامونی که اکثرا کشیده و مستطیل شکل می‌باشند.

مهمترین بخش صنعتی شناسایی شده در مجموعه دهانه غلامان ساختمان شماره ۱۵ است (سیدسجادی، ۱۳۸۰ :۲۱). این ساختمان فضایی با پلان مربع شکل به وسعتی بیش از ۲۷۰۰ مترمربع است که شامل اتاق‌های مستطیل شکل شرقی-غربی و شمالی- جنوبی پیرامون حیاطی مرکزی با وسعت تقریبی ۷۶۰ مترمربع می‌باشد. در این اتاق‌ها شواهد متعدد از فعالیت‌های صنعتی یافت شده است (سیدسجادی، ۱۳۸۰ :۱۶-۳۷) که بیانگر فعالیت گسترده و منظم تولیدی است.



شکل ۴. محدوده کاوش شده از شهر هخامنشی دهانه غلامان (مهرآفرین، ۱۳۹۱: ۹۸)

مهمترین بخش شناسایی شده در منطقه دهانه غلامان که می‌توان برای آن کاربردی نظامی متصور شد در ۱۵۰۰ متری جنوب مجموعه ساختمان‌های مسکونی، مذهبی، اداری و صنعتی قرار دارد. این فضا که مطالعاتی بسیار اندکی در مود آن انجام شده است به ابعاد ۱۸۰×۱۸۰ متر است و از این حیث بزرگترین ساختمان شناسایی شده در این شهر هخامنشی است. هر چند تاکنون کاوشی در این بخش انجام نشده است لیکن بر اساس تصاویر هوایی و مطالعات میدانی می‌توان وجود ساختمانی بزرگ در بخش شمالی این فضای محصور را مشخص نمود.

قلعه فراه افغانستان (پروفتازیا)

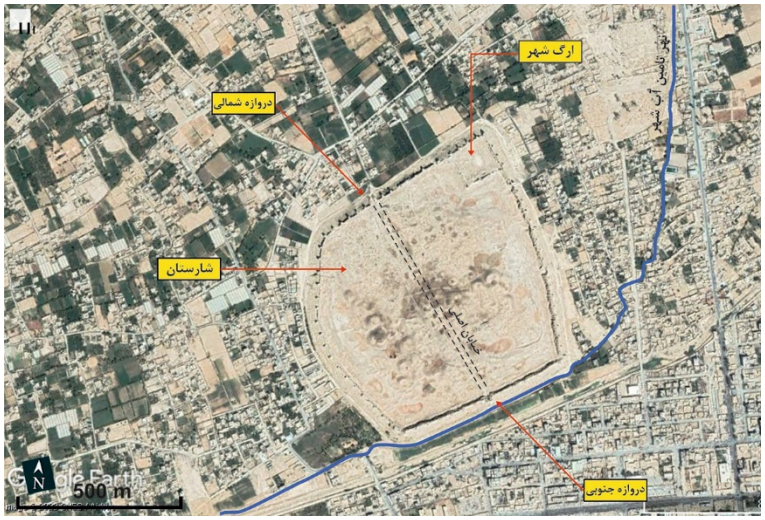
خرابه‌های فراه بقایای شهری محصور و بزرگ با مساحت تقریبی ۴۴ هکتار، در حاشیه شرقی رودخانه فراه و در میان شهر جدید فراه است. شهر فوق با شکل تقریبا مربع با جهت ساختاری شمال‌غربی- جنوب‌شرقی است. حصار شهر فراه شامل دو بخش می‌شود؛ بخش اول پشته و خاکریزی عظیم به عرض ۳۰ متر و ارتفاعی در حدود ۱۲ متر که از مخلوط خاک، خرده چوب و احتمالا خاکستر تشکیل شده است که از بیرون راهی سرپوشیده دورتادور آن ساخته‌اند. بر روی این خاکریز که علاوه بر جنبه دفاعی، به صورت پی بنا عمل می‌کرد، حصار بزرگ شهر که در حدود ۶ متر ضخامت و ۱۳ متر ارتفاع دارد، ساخته شده است. حصار بسیار مستحکم و با برج‌های نیم‌مدور بزرگ به قطر ۷ متر در فاصله‌های بین ۲۵ تا ۳۰ متری یکدیگر است. به احتمال فراوان بخش اول حصار یعنی خاکریز زیرین، کهن‌تر و مربوط به دوران اولیه شهر است و بخش فوقانی حصار در دوره‌ی بعدی بروی بقایای حصار کهن ساخته شده است، از این رو می‌توان بیان نمود نقشه کلی شهر در طول قرن‌ها و دوره‌های مختلف، یکسان است.

فریه اعلام می‌کند حصار دارای دو دروازه است که در ضلع شمالی و جنوبی شهر قرار دارند. دروازه شمالی به دروازه هرات و دروازه جنوبی قندهار شهرت دارد. این دو دروازه تقریباً در مقابل یکدیگر قرار دارند. دروازه شمالی به عرض ۲۰ متر است که در طرفین آن برج‌های قطوری وجود دارند. این دروازه‌ها از طرق مسیر شیب داری که در حدود ۳۰ متر طول و ۲۲ متر عرض دارد به پایین خاکریز متصل می‌شده است. با توجه به گفته‌های فریه شهر دارای خیابان اصلی شمالی- جنوبی است. وی به استخرهای بزرگی اشاره نموده که در جای جای شهر وجود دارند (فریه، ۱۳۷۸: ۷۴).

ارگ شهر فراه فضایی مربع‌شکل به ابعاد ۱۱۲ در ۱۱۸ متر درگوشه شمال‌شرقی شهر است. دیوار شمالی و شرقی ارگ همان دیوار حصار و دیوارهای جنوبی و غربی دارای ماهیتی مستقل از حصار بزرگ شهر می‌باشد. با توجه به عکس‌های هوایی این ارگ دارای دو دروازه، یکی در ضلع غربی و دیگری در ضلع جنوبی است.

فریه در زمان بازدید از این مکان، تعداد زیادی آجر با ابعاد ۹۰ در ۱۰ سانتی‌متر یافته که دارای کتیبه‌های به خط میخی بوده‌اند (فریه، ۱۳۷۸ : ۷۵). به طور قطع آجرهای فوق از نظر اندازه تنها با آجرهای دوران تاریخی قابل مقایسه می‌باشند. از طرف دیگر وجود خطوط میخی بر روی آنها خود دلالت بر قرون ۵ و ۴ قبل از میلاد دارد. فیرسرویس نیز در زمان بررسی

سیستان افغانستان، بقایای سفال‌های مربوط به دوران پارت و ساسانی را در تپه‌ها و پشته‌های داخل و اطراف خرابه‌های شهر فراه کشف نمود که خود دال بر دوره استقراری پارت و ساسانی در این مکان است (Fairservis, 1961: 31-32). از سوی دیگر با توجه به ساختار شهر و شیوه شهرسازی یونانی هیپودام، می‌توان زمان ساخت شهر را مربوط به سده سوم قبل از میلاد در نظر گرفت.



شکل ۵. موقعیت بخش‌های مختلف شهر تاریخی فراه افغانستان (نگارندگان)

قلعه سام (شهر اگریاسپی)

یکی از مهمترین مکان‌های دوران تاریخی در سیستان قلعه سام است که در مرکز دشت و نزدیکی روستای سه‌کوهه قرار دارد. این مکان در واقع قلعه‌شهری بزرگ و محصور با مساحت تقریبی ۱۱ هکتار با جهت ساخت شرقی- غربی است. در وضعیت فعلی از ارتفاع حصار شهر حدود ۸ متر باقی مانده است، لیکن احتمالا این حصار در زمان آبادانی بیش از ۱۰ متر بوده است. بقایای ۳۷ برج بلند نیم‌مدور در پیرامون این قلعه‌شهر قابل تشخیص می‌باشد که فاصله آنها نسبت به هم بین ۱۴ تا ۳۵ متر است.

هر چند فضای داخلی این قلعه متشکل از پشته‌های کوچک و بزرگ به هم پیوسته است، لیکن بر اساس پیمایش میدانی و تصاویر هوایی و ماهواره‌ای می‌توان به برخی فضاهای داخل شهر پی برد. استخوانبندی شهر را دو خیابان عمود بر هم تشکیل می‌دهند که یک خیابان اصلی شرقی- غربی با طول ۳۶۵ متر و دیگری شمالی- جنوب با طول ۲۹۴ متر است. خیابان اصلی، از دروازه تقریبا سالم قلعه واقع در ضلع شرقی شروع و تا ضلع غربی، در جایی که شواهدی اندک از دروازه‌ای دیگر است، ادامه می‌یابد. خیابان شمالی- جنوبی نیز از قسمتی از ضلع شمالی که در آن آثاری از حصار وجود ندارد، شروع می‌شود و تا حصار جنوبی امتداد می‌یابد. بقایای چند بنای بزرگ در شمال مرکزی و نیمه شرقی شهر با وسعت بین ۲۰۰ تا ۳۵۰ مترمربع قابل تشخیص است که متشکل از اتاق‌های راست گوشه می‌باشند. در ساخت تمامی بناها اصولی چون جهت ساخت، نقشه کلی و ... به صورت تقریباً مشابه رعایت شده است. پیرامون این قلعه بزرگ پشته‌های کوچک و بزرگی وجود دارد که با وجود رسوبات فراوان، می‌توان بروی آنها یافته‌های سطحی همچون یافته‌های درون قلعه را مشاهده نمود. بر اساس مطالعه نمونه‌های سفالی انجام شده تاریخ استقرار در این محوطه مربوط به دوران سلوکی- اشکانی و اوایل ساسانی است (علایی‌مقدم، ۱۳۹۸: ۱۰۱ و ۱۰۴).



شکل ۶. موقعیت بخش‌های مختلف شهر تاریخی قلعه سام (نگارندگان)

تپه شهرستان (رام‌شهرستان)

تپه شهرستان به تپه‌های سفید رنگ واقع در شرق شهر زهک و در حاشیه شرقی رود سیستان گفته می‌شود که در بین اهالی به تپه باباحاجی شهرت دارد. مهرآفرین، حفار این محوطه، وسعت آن را ۴۸۶۰۰ مترمربع بیان می‌دارد (Mehrafarin& Mousavi Haji, 2010 : 257). مطالعات جامعی [xl vi i] در این محوطه انجام شده که تا حدود زیادی هویت واقعی آن را مشخص نموده است. در مرکز این محوطه تپه ماهوری دو بخشی به وسعت بیش از ۲۰ هکتار است که بخش شمالی آن فاقد آثار معماری مشهود بوده و در دهه‌های گذشته به عنوان قبرستان مورد استفاده قرار گرفته است، اما در بخش جنوبی بقایای یک قلعه بزرگ و مستحکم وجود دارد که مساحت آن حدود ۶ هکتار است.

ساختار فضایی قلعه‌شهر که امروزه بخش‌های مختلفی از آن باقی مانده است، شامل حصار و برج‌های حفاظتی، حیاط شمالی، حیاط میانی، حیاط جنوبی، دیوارهای جدا کننده حیاط‌ها، قلعه یا ارگ و شاهنشین می‌باشد. ساخت شهر و حصار پیرامونی آن کاملا منطبق با شکل طبیعی و محیط تپه جنوبی و فاقد شکل منظم هندسی است.

حصار در بیشترین قسمت ۲۰۰ متر عرض دارد و طول آن در بخش شرقی ۵۴۰ متر و در بخش غربی ۴۸۰ متر است. ضخامت حصار نیز بین ۳ تا ۳.۵ متر متغیر بوده و امروزه از ارتفاع آن در حدود ۱۰ متر باقی مانده است. حصار از خشت همراه با ملاط گل و لایه‌ای از پهن گاو می‌باشد، لیکن در قسمت‌های تحتانی آن از آجر نیز استفاده شده است. برج‌ها با فواصل نامنظم به صورت استوانه‌ای با قطر حداکثر ۵ متر است که ۳ متر آن از حصار بیرون می‌باشند. تمام برج‌ها از دو طبقه مسقف و یک بام کنگره دار جهت دیده‌بانی و در مواقع لزوم تیراندازی، تشکیل شده‌اند. طبقه دوم برج‌ها نیز دارای مزغل‌های طولی است.

فرم فضایی حیاط شمالی، یک چهار ضلعی نامنظم با ابعاد ۲۰۰×۱۵۰ متر می‌باشد که توسط دیواری از بخش‌های جنوبی جدا شده است. متاسفانه از فضاهای معماری باستانی این بخش جز رد و نشان ساختمان‌هایی بزرگ اثری قابل مشاهده نیست. حیاط میانی که در واقع شامل بخش اصلی قلعه‌شهر محسوب می‌شود، فضایی بیش از ۳ هکتار است که به احتمال زیاد دروازه اصلی در قسمت غربی آن می‌باشد. در بخش شرقی این حیاط قلعه یا ارگ شهر و شاه‌نشین آن قرار دارد.

حیاط جنوبی که کوچکترین حیاط است از حیث فرم، چهار ضلعی می‌باشد. متاسفانه ساختارهای معماری این قسمت نیز مشخص نیست، لیکن با توجه به برج‌های مستحکم جنوبی و همچنین رد و نشان اتاق‌های یکسان، به احتمال فراوان این قسمت محل استقرار نیروی نظامی است.

قلعه یا ارگ شامل فضایی مستطیل شکل به ابعاد ۸۵×۶۵ متر با جهت ساختاری شمال‌غربی- جنوب‌شرقی با حصاری قطور در پیرامون خود است. این ارگ دارای ساختار منظمی است و در هر زاویه آن یک برج بزرگ و مستحکم با ابعاد برج‌های حصار بیرونی وجود دارد که از حیث ارتفاع بر برج‌های دیگر برتری دارد. علاوه بر این برج‌ها، برج‌های دیگری نیز در طول حصار وجود دارد که دارای ابعادی کوچک‌تر هستند. شاهنشین یا کاخ در جبهه شرقی قلعه یا ارگ شهر، در مرتفع‌ترین قسمت تپه شهرستان، قرار دارد.



شکل ۸. موقعیت بخش‌های مختلف شهر تاریخی رام‌شهرستان (نگارندگان)

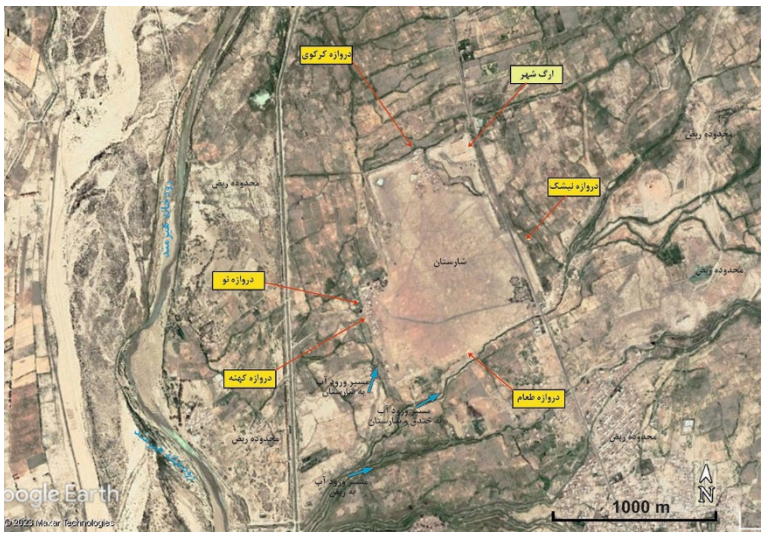
محوطه نادعلی افغانستان (زرنگ)

محوطه عظیم نادعلی بقایای از یک شهر عظیم می‌باشد که با توجه به تصاویر ماهواره‌ای، از سه بخش ارگ، شارستان و ربض تشکیل شده است. قلعه یا ارگ که فضایی نسبتا بزرگ در گوشه شمال‌شرقی شارستان است. ذوالفقار کرمانی در مورد ارگ نادعلی ابراز داشته که این قلعه بروی یک تپه بلند قرار دارد. وی در ادامه به وجود آثار ۴ قلعه در این قسمت اشاره می‌کند و از این قلعه‌های با عنوان: قلعه روی تپه، قلعه دور کمر تپه و قلعه پای تپه که محیط آن را فرا می‌گرفته و از نظر محیطی منطبق بر تپه بوده است، نام می‌برد (کرمانی،۱۳۷۴: ۱۰۵). با توجه با این مکتوبات و تصاویر ماهواره‌ای مشخص می‌گردد ارگ فضایی چند بخشی با مساحت هفت هکتار و سه حصار نزدیک به هم می‌باشد. در اطراف قلعه سوم ارگ، خندق وجود داشت که در زمان بازدید کرمانی، آثار آن هنوز قابل رویت بوده است.

شارستان نادعلی، فضایی بزرگ و محصور تقریبا منظم هشت ضلعی با زوایای ۹۰ درجه است. ضخامت حصار ۴ تا ۵ متر می‌باشد که محیطی در حدود ۱۱۰ هکتار را در بر می‌گیرد.

در درون شارستان نادعلی، آثار و خرابه‌های زیادی از بناهای گوناگون به جای مانده است که از مهمترین آثار آن که به نسبت کهنتر می‌باشند می‌توان به برج خشک دختر و حوض آجری اشاره نموده که با آجرهای بزرگ ساخته شده است. (اسمیت، ۱۳۸۷ : ۱۸۷). تمام بناهای داخل شارستان قبل گفته‌های تیت دارای پی و پایه آجری و دیوارها و سقف خشتی هستند (تیت، ۱۳۶۲ : ۴۳). امروزه بر اساس تصاویر ماهواره‌ای مسیرهای ورود آب به شهر نادعلی که در بخش شرقی و جنوب شرقی حصار شهر و در نزدیکی دروازه‌های این قسمت است، قابل تشخیص می‌باشد.

با توجه به سیلابی بوده منطقه و قرار گیری شهر نادعلی در قسمت پست دشت سیستان، تقریبا اکثر مواضع ربض شهر نادعلی از میان رفته است و تنها آثار کمی از آن باقی مانده است. تیت که در سال ۵-۱۹۰۳ میلادی از این مکان بازدید نموده است، شهر را به دو بخش شهر دورنی و شهر بیرونی توصیف می‌کند که مراد او از شهر بیرونی همان ربض نادعلی می‌باشد. بر اساس نشانی‌های ثبت شده توسط وی، محدوده ربض این شهر بیش از ۲ هزار هکتار بوده است (تیت، ۱۳۶۲ : ۴۲-۴۳) که امروزه آثار و بقایای تپه‌های متعدد چند دوره‌ای از جمله تپه سرخ داغ، تپه سفید داغ، تپه مری و تپه قلعه در آن محدوده قرار می‌گیرند.



شکل ۸. موقعیت بخش‌های مختلف شهر تاریخی زرنگ (نگارندگان)

تفسیر یافته‌ها

شهرها به دلایل مختلفی ایجاد می‌شوند که ممکن است دلایل تدافعی، بازرگانی (داد و ستد)، موقعیت سیاسی و مذهبی و غیره باشند. با اینهمه، نیروهای اقتصادی محرک اصلی رشد شهرند (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۹: ۶۱). دلیل شکل‌گیری هر شهر، عاملی است که نقش آن شهر را نیز تعیین می‌کند. بنابراین هر شهر بر اساس نقشی که به عهده می‌گیرد، دارای ویژگی‌های متفاوتی است که بر شکل و ساختار آن اثرگذار است. اما شهرها به طور کل، دارای ویژگی‌های عمومی می‌باشند که برای ادامه حیات خود بدان وابسته‌اند. بخش اعظم این وِیژگی‌ها متأثر از اقلیم، فرهنگ، سیاست و صنعت حاکم بر منطقه است؛ لذا می‌توان انتظار داشت در شهرهای دارای شرایط یکسان، ویژگی‌ها و عناصر تشکیل دهنده ساختار شهر ماهیت یکسانی داشته باشند. لازم به ذکر است این ویژگی‌ها در طول زمان بر اثر تغییر ناشی از پیشرفت علم، فناوری، صنعت و تغییرات اجتماعی و سیاسی شهرها، دچار تغییر و تحول می‌شوند.

این پژوهش پس از مکان‌یابی شهرهای تاریخی سیستان و توصیف ساختار فضایی هر شهر بر اساس بقایای برجای مانده از آن‌ها و اطلاعات مندرج در منابع تاریخی، سعی در تفسیر هر یک از عناصر تشکیل دهنده ساختار فضایی شهرهای تاریخی سیستان دارد؛ لذا در ادامه به بررسی ویژگی‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده ساختار شهر در دوران مذکور می‌پردازد.

فرم کلی شهر: یکی از مهمترین شاخصه‌های شهرهای دوران باستان شکل کلی آن‌هاست. برخلاف شهرهای امروزی که گسترش ناموزون و کنترل‌نشده‌ای در زمین‌های اطراف خود دارند، در دوران گذشته شهرها به دلایل مختلف و با ساخت حصاری پیرامون خود، فرم کلی شهر را تعیین می‌کردند. در واقع شهر نمی‌توانست خارج از حصار به شکل کنترل نشده‌ای رشد کند. در صورتی که به دلایلی همچون شکوفایی کشاورزی، بازرگانی، سیاسی و غیره، امکان توسعه شهر وجود داشت، حصار دومی در پیرامون حصار اول کشیده می‌شد و بدین ترتیب اندازه شهر و شکل آن تعیین می‌شد.

مطالعات نشان می‌دهد شهرهای باستانی را می‌توان از منظر فرم نقشه کلی به سه دسته منظم هندسی، نامنظم و ترکیبی (مانند بیشاپور استان فارس) تقسیم نمود. شهرهای هندسی منظم شامل شهرهای مدور، چهارضلعی و چند ضلعی می‌شود. بر اساس این دسته‌بندی و بررسی‌های میدانی و تصاویر هوایی و ماهواره‌ای شهرهای مورد بررسی و با توجه به حجم تخریب‌های موجود و گذشت سالیان، تا حدود زیادی می‌توان فرم کلی آنها را شناسایی کرد.

کهن‌ترین شهر شناخته شده در سیستان یعنی شهر سوخته، از جمله شهرهای نامنظم می‌باشد که گسترش آن منطبق به وضعیت توپوگرافی بستر طبیعی حاشیه دریاچه هامون است. دهانه غلامان احتمالا همان شهر زارین هخامنشی (زرین شهر) نیز به عنوان اولین شهر شناخته شده از دوران تاریخی در سیستان، هر چند دارای ساختمان‌های منظم چهارضلعی بوده که تا آن زمان نظیر آن در سیستان مشاهده نشده، لیکن پراکندگی آثار نامنظم و نبود حصار پیرامونی مانع تعیین فرم کلی شهر شده است.

بررسی منابع نشان می‌دهد در دوره‌های بعد یعنی دوره حکومت یونانیان و پس از آن پارتیان بر سیستان، تغییری در فرم شهرها ایجاد می‌شود. همانطور که ذکر شد دو شهر مهم این دوران پروفتازیا و اگریاسپی است که به احتمال زیاد شامل قلعه فراه و قلعه سام می‌شوند. قلعه فراه دارای فرم کلی هندسی منظم و تقریباً مربع دارای محیطی محصور است. قلعه سام از فرم کلی هندسی منظم و البته پنج ضلعی بهره‌مند بوده است.

در اوایل دوران ساسانی دیگر بار شهرهای منظم جای خود را به شهرهای نامنظم می‌دهند. رام‌شهرستان که در این دوره سربرآورده است، با فرم کلی نامنظم و منطبق با محیط طبیعی منطقه و تپه‌ایی که روی آن قرار دارد، شکل گرفته است. اواخر دوران ساسانی را می‌بایست تحویلی اساسی در شهرسازی سیستان نامید. در این زمان شهر بزرگ زرنگ (نادعلی) با محیط محصور چند ضلعی شکل می‌گیرد که در آن محدوده هر بخش به طور واضحی مشخص شده است.

ساختار فضایی شهر: ساختار فضایی شهر متأثر از عناصر اصلی تشکیل دهنده آن و نحوه ارتباط میان این عناصر است. بررسی‌ها نشان می‌دهد نمی‌توان نظم خاصی در چینش و پراکنش ساختمان‌های مهم به جا مانده در شهر سوخته متصور شد، در حالیکه شهر هخامنشی دهانه غلامان، دارای ساختار فضایی منظم و متفاوت با سبک منطقه بوده است، به نحوی که می‌توان آن را سبک هخامنشی با مصالح بومی سیستان نامید (علایی‌مقدم، ۱۳۹۵: ۱۲۴). این مفهوم در قلعه‌شهرهای فراه و سام به عنوان شهرهای اصلی سیستان در دوران سلوکیان و پس از پارتیان، به صورت منظم و حول یک یا دو خیابان اصلی شکل گرفته است که امروزه بقایایی از آنها قابل تشخیص می‌باشد. ساختار فضایی این دو شهر احتمالا به صورت هیپودام است. ساختار شهرهای اصلی سیستان در اوایل دوران ساسانی تا حدود زیادی نامشخص است. بخش عامه‌نشین (ربض) و شارستان رامشهرستان نیز ناشناخته بوده و بخش عمده آن از بین رفته است. لیکن شواهد اندک باقی مانده از معماری داخلی بیانگر فشردگی در ساخت بوده و متفاوت با معماری دوران قبل است. در مورد شهر زرنگ نیز می‌توان گفت در اواخر دوران ساسانی ساختار تغییر کرده و با توجه به فرم منظم کلی آن، احتمالا ساختار فضایی آن نیز به صورت منظم و حول خیابان‌های اصلی شکل گرفته است.

عناصر دسترسی (دروازه‌ها و راه های ارتباطی) : عناصر دسترسی، از مهمترین عناصر شکل‌دهنده ساختار فضایی شهرها محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر می‌توان آن‌ها را ستون فقرات شهرها نامید که سایر ساختمان‌های مهم در مجاورت آن‌ها قرار می‌گیرند. همچنین درجه اهمیت راه‌ها نیز تعیین کننده نوع کاربری است که در هر معبر امکان حضور و فعالیت می‌یابد. دسترسی‌ها در شهرهای کهن متأثر از دروازه‌های شهر بوده که هر یک به سمت یکی از راه‌های مهم بین شهری قرار داشتند.

از مجموع پنج شهر اصلی سیستان در دوران تاریخی، چهار شهر در دشت سیستان و یک شهر در بخش دره فراه قرار دارد. متاسفانه در دهانه غلامان، بقایای از حصار و دروازه بدست نیامده است، لیکن با توجه به جهت گسترش شهر در راستای شرقی- غربی و آثار آبراهه در این مسیر، به احتمال زیاد راه ارتباطی اصلی این شهر نیز در راستای همین محور بوده است. اما شهر پروفتازیا (قلعه فراه) دارای دو دروازه در جبهه‌های شمالی و جنوبی بوده است که با ساختار ارتباطی منطقه پیوستگی دارد به نحوی که دروازه شمالی به سمت مسیر هرات و دروازه جنوبی از یک سو به سمت دشت سیستان و از سوی دیگر به مناطق جنوب‌غربی افغانستان راه می‌یافته است.

شهر اگریاسپی (قلعه سام) نیز دارای دو دروازه اصلی شرقی و غربی بوده که یکی رو به مسیر منتهی به مناطقی غربی یعنی دره هلمند (بست) و قندهار و دیگر رو به مسیر منتهی به کرمان و مناطق مرکزی ایران قرار داشته است.

در شهر ساسانی رامشهرستان تنها دروازه شناسایی شده در ضلع غربی این قلعه‌شهر قرار دارد، ولی ساخت دروازه و توجه به مسیرهای ارتباطی در زرنگ به اوج خود می‌رسد به نحوی که با پنج دروازه در شارستان که احتمالا دروازه‌های اولیه و همزمان با ساخت شهر بوده‌اند، تقریبا تمامی مسیرهای ارتباطی تحت پوشش قرار داشته‌اند.

عناصر دفاعی: یکی دیگر از عناصر شکل‌دهنده به ساختار شهرها در دوران باستان عناصر دفاعی بودند. عناصر دفاعی را می‌توان به دو دسته عناصر دفاعی طبیعی مانند بهره بردن از ارتفاع، کوه، دره و رودخانه و عناصر دفاعی مصنوع شامل، حصار، برج و بارو و خندق است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در شهرهای اصلی دوران تاریخی سیستان، دهانه غلامان، تنها شهری است که فاقد حصار بوده است. علت آن را می‌توان قدرت زیاد حاکمان منطقه، امنیت در آن دوران و نبود تهدید خارجی دانست. اما سایر شهرهای دوران سلوکی- پارتی و ساسانی سیستان دارای حصار و برج‌های بلند و فراوانی در طول آن بوده‌اند که از این

طریق فضای داخل شهر را از فضای بیرون به طور کامل مجزا نموده و امنیت را تامین می‌کردند. استفاده از خندق نیز وضعیتی مشابه دارد به نحوی که به غیر از شهر دهانه غلامان، مابقی شهرهای اصلی دوران تاریخی سیستان دارای خندقی عریض می‌باشند.

عنصر دیگری که به عنوان یک فضای کلیدی و حساس نقش مهمی در دفاع از شهرها داشته است، نیروهای نظامی بوده‌اند که محل استقرار آن‌ها در شهرها به یک شکل نبوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد پادگان نظامی شهر دهانه غلامان در دوره هخامنشی در فاصله ۱۵۰۰ متری جنوب مجموعه بناهای شهر و به صورت مجزا قرار داشته است، اما در سایر شهرها که دارای حصار بوده‌اند پادگان به عنوان یکی از عناصر شکل دهنده ساختار فضایی شهر و درون حصار شهر قرار داشته است.

آب و آبرسانی: زیرساخت‌های حیاتی شهر مانند آب از دیگر عناصر مهم در ساختار فضایی شهرهای قدیم به شمار می‌رود. این عنصر خطی گاهی عاملی مهم در شکل‌دهی فرم کلی شهرها نیز محسوب می‌شده است.

همانطور که در شکل ۳ نشان داده شده است، در دهانه غلامان مسیر آبراهه‌ای عریض از شرق به غرب امتداد دارد که در بخش شرقی دارای چرخشی به سمت جنوب است. تقریبا اکثر بناهای شهر در دو سوی شمالی و جنوبی این آبراه ساخته شده‌اند. بر اساس تصاویر ماهواره‌ای در فراه (شکل ۵)، آب شهر از طریق نهری بزرگ که از رود فراه منشعب و از بخش جنوب شرقی وارد شهر می‌شد، تامین می‌گشت. این مسیر انتقال آب در طول شهر حرکت کرده و در قرارگیری سایر عناصر اصلی شهر اثرگذار بوده است.

در شکل ۶ نیز قابل مشاهده است که در قلعه سام (اگریاسپی باستان) آبراهه‌ای از منتهی‌الیه شرقی ضلع شمالی وارد شده و از جنوب‌غربی خارج می‌شده است. رام شهرستان برای تأمین آب مورد نیاز جمعیت خود از رود سیستان به عنوان یک شاخه اصلی هیرمند، بهره می‌برده است. این رودخانه مطابق شکل ۷ از غرب شهر عبور می‌کرده و با کمک یک نهر منشعب از آن، آب شهر را تامین می‌کرده است.

بر اساس منابع تاریخی زرنگ از وجود سه آبراهه که از محدوده‌های غرب و جنوب شهر و از نزدیکی دروازه‌های کهنه، نو و طعام وارد می‌شده استفاده می‌کرده است. این موضوع با بررسی تصاویر ماهواره‌ای (شکل ۸) به وضوح قابل درک است. در داخل شهر هم سیستم آبرسانی از طریق کانال‌ها و نهرهای متعددی تشکیل می‌شده که در سرتاسر شهر جریان داشته‌اند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱۵۱-۱۵۳). این سیستم به اندازه‌ای گسترده بوده است که تقریبا به تمامی محلات و منازل راه داشته است. علاوه بر این، جریان آب به خندق پیرامون شهر راه داشته و آب آن را نیز تامین می‌کرده است (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۹۲-۱۹۴).

مصالح: محیط طبیعی مهمترین عامل مشخص کننده مصالح به کار رفته در بناها و شهرها در دوران باستان است. از آنجایی که بیشتر سیستان را دشت هموار با اندک کوه و منابع سنگی تشکیل می‌دهد، از دیرباز معماری در این منطقه با تکیه بر خشت و آجر شکل گرفته است. شهرسازان سیستانی بویژه در دوران ساسانی از آجر در بخش‌های تحتانی حصار و دیوارها استفاده نموده‌اند که این مساله در راستای افزایش مقاومت شهر در برابر جریان سیلاب‌ها بوده است.

عملکرد (نقش شهر): هر شهر با توجه به ویژگی‌ها و وضعیتش، دارای عملکرد و نقش‌های متعددی است و هر اندازه یک شهر از اهمیت بیشتری برخوردار باشد، علاوه بر نقش اصلی، نقش‌های دیگری را نیز دارا می‌باشد. هر چند اصلی‌ترین و مهمترین نقش و عملکرد شهرهای اصلی سیستان در دوران تاریخی، نقش سیاسی و حکومتی است لیکن این نقش در همه آنها یکسان نبوده به نحوی که می‌توان آن را به دو گروه تقسیم نمود: گروه اول شهرهای حکومتی محل جلوس نماینده و حاکمی از طرف دولت مرکزی و دسته دوم شهرهای حکومتی بومی که محل حکومت امیری محلی زیر نظر دولت مرکزی ایران است. با توجه به سبک معماری و شواهد یافت شده، دو شهر دهانه غلامان و اگریاسپی را می‌توان شهرهای ساخته شده توسط سیستم حکومتی غیر بومی و جهت کنترل منطقه دانست.

در جدول شماره ۲ نقش و کارکردهایی که می‌توان برای شهرهای اصلی دوران تاریخی منطقه سیستان در نظر گرفت، قابل مشاهده است:

جدول ۳. انواع نقش شهرهای مرکزی سیستان در دوران تاریخی (نگارندگان)

ردیف	نام شهر	نام محوطه	نقش شهر (کارکرد)					
			سیاسی و حکومتی	ارتباطی- تجاری	مذهبی	صنعتی	نظامی	استقرار عمومی
۱	زارین	دهانه غلامان	()	()	()	()	()	-
۲	پروفتازیا	قلعه فراه	()	()	-	()	()	-
۳	اگریاسپی	قلعه سام	()	()	-	()	()	-
۴	رام شهرستان	تپه شهرستان	()	()	-	-	()	-
۵	زرنگ	نادعلی	()	()	-	()	()	()

نتیجه گیری

شهر و شهرنشینی در سیستان پیشینه‌ای پنج هزار ساله دارد لیکن اولین شهرهای که از ابتدا دارای ساختاری مشخص و با نقشه شهری در سیستان ساخته شده‌اند، در دوران تاریخی شکل گرفتند. منابع تاریخی از دوران امپراتوری هخامنشی تا پایان دوران ساسانی به پنج شهر اصلی و مرکزی در سیستان اشاره می‌نمایند که به ترتیب شامل زارین (زرین شهر) از دوران هخامنشی، پروفتازیا و اگریاسپی از دوران سلوکی و اشکانی، رام‌شهرستان و زرنگ از دوران ساسانی می‌شوند. مطالعات تطبیقی بر اساس رهیافت تاریخی بیانگر آن است که محل دقیق این شهرهای باستانی به ترتیب برابر با محوطه‌های باستانی دهانه غلامان، قلعه فراه افغانستان، قلعه سام، تپه شهرستان (بابا حاجی) و محوطه نادعلی افغانستان می‌باشد. این شهرها دارای الگوی شهرسازی و ساختار فضایی یکسان نیستند به نحوی که شهر زارین هخامنشی دارای معماری غیر بومی است که تا قبل از آن نمونه آن در سیستان شناسایی قابل مشاهده نیست. این سبک تقلیدی از معماری و شهرسازی امپراتوری بود که نمونه عالی آن در پارسه و شوش قابل مشاهده است. در دوره سلوکی و اشکانی الگوی شهرسازی و استخوان‌بندی شهر به صورت مراکز محصور با ساختار منظم و نقشه هیپودام است که خیابان‌های عریض متقاطع، محورهای اصلی شهر محسوب می‌شوند. شاید بتوان گفت در این دوره بخش اصلی یا هسته اولیه شهر را قلعه‌ای بسیار بزرگ تشکیل می‌داد که محل استقرار حاکمان غیر بومی جهت اداره و کنترل منطقه بود و مسکن مردمان بومی همراه با عناصر دیگر یک شهر حول این هسته شکل می‌گرفتند. در دوران ساسانی الگوی شهرسازی تفاوت نموده و بیشتر جنبه بومی به خود می‌گیرد. از سوی دیگر در این دوران روند رو به رشد جمعیت موجب رشد شهرها شده به نحوی که در اواخر این دوران شهر بزرگ زرنگ شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر در اواخر این دوران از یک سو شهر از وسعت بسیار زیادی برخوردار می‌شود و از سوی دیگر با نقشه چند بخشی، اقشار مختلف جامعه را در خود جای می‌دهد.

در این شهرها مهمترین عناصر ساختار فضایی مشهود شامل فرم کلی، ساختار فضایی شهر، عناصر دسترسی، عناصر دفاعی، آبرسانی، نقش و عملکرد شهر یکسان نیست و برخی ویژگی‌ها در طول این زمان ثابت مانده و برخی تغییر نموده است. فرم و نقشه شهرهای اصلی سیستان در دوران ساسانی به دو صورت منظم و نامنظم است. وجود نظم در ساختار شهر در برخی از شهرها همچون فراه، قلعه سام و نادعلی مربوط به فرم کلی و نقشه شهر می‌شود، گاهی همچون دهانه غلامان فقط مربوط به عناصر درونی شهر می‌شود و گاهی همچون رام‌شهرستان هیچ ساختار منظمی در آن دیده نمی‌شود. در دسته آخر فرم کلی شهر منطبق با بستری است که شهر بر روی آن ساخته می‌شود و گسترش شهر نیز از پیش تعیین شده نبوده و به مرور و در پیرامون هسته مرکزی شکل می‌گیرد.

عناصر دفاعی نیز در شهرهای سیستان در دوران تاریخی دچار تغییر می‌شود به نحوی که پس از دهانه غلامان، تمامی شهرهای مرکزی سیستان در دوران تاریخی شهرهای محصوری بودند که در آنها بر مساله امنیت با ساخت برج و باروی مستحکم تاکید شده است. این مساله در مورد استفاده از خندق نیز صدق می‌کند به نحوی که به غیر از شهر دهانه غلامان، دیگر شهرهای

اصلی سیستان در دوران تاریخی دارای خندقی عریض می‌باشند. این مساله احتمالا ناشی از امنیت برون مرزی منطقه سیستان و نبود دشمن قدرتمند در مرزهای شرقی امپراتوری هخامنشی است.

در مورد نقش شهر و کارکردهایی که شهرهای مرکزی سیستان بر عهده داشتند بر اساس شواهد و کلیات می‌توان چنین بیان نمود که تقریبا چهار نقش اصلی یعنی نقش سیاسی و حکومتی، ارتباطی- تجاری، نظامی و صنعتی در تمام آنها وجود داشته است. نقش مذهبی (دارا بودن مهمترین مکان مذهبی منطقه به عنوان مرکز اصلی مذهبی) تنها در شهر دهانه غلامان دیده می‌شود. به احتمال زیاد در دوره‌های بعد مرکز اصلی مذهبی سیستان به جایی غیر از شهر مرکزی منتقل شده است که به عنوان نمونه می‌توان به آتشکده قلعه کافرون کوه خواجه و آتشکده کرکوی اشاره نمود.

در مورد استقرار عمومی یا نقش عامه‌نشین در شهرهای اصلی سیستان در دوران تاریخی می‌توان اینگونه بیان نمود که با توجه به ساختار و فرم شهر، جز در دوره ساسانی، در ادوار دیگر اینچنین نقشی قابل مشاهده نیست. دهانه غلامان هخامنشی و فراه و قلعه سام سلوکی- اشکانی، شهرهایی می‌باشند که مخصوص اسکان طبقه حاکم و افراد وابسته و بزرگان است لیکن در دوره ساسانی تجمع مرم پیرامون شهر موجب گسترش دمنه استقرار شده است و در نهایت منجر به شکل‌گیری بخش ربض در شهر زرنگ می‌گردد.

پی نوشت

[۱] .بخشی از تحقیقات باستان شناسی این مقاله با استفاده از کمک هزینه پژوهشی دانشگاه زابل UOZ-GR-3362 انجام شده است.

2.PROPHTHASIA
3. PHARAZARA
4. RHAUDA
5. INNA
6.ARIKADA
7. XARXIAR
8. NOSTANA
9. PHARAZANA
10. BIGIS
11. ARANA
12. AGRIASPS_ARIASPS

۱۳. جهت مطالعه بیشتر رجوع شود به مقاله " In Search of Ram Shahrestan: The Capital of the Sistan Province in the Sassanid Era" نوشته دکتر رضا مهرآفرین و دکتر سید رسول موسوی حاجی مراجعه نماید.

منابع

۱. ابن حوقل. ۱۳۶۶. *سفرنامه ابن حوقل، ایران در صوره الارض جعفر شعار*، تهران، انتشارات امیرکبیر.

۲. اسدی توسی. ۱۳۱۷. *گرشاسب نامه*، به اهتمام حبیب بغمایی، چاپ اول، تهران، چاپخانه بروخیم.

۳. اسمیت، اوئن. ۱۳۷۸. *ایران شرقی، جلد اول، در: جغرافیای تاریخی سیستان (سفر با سفرنامه‌ها)*، جلد اول، ترجمه و تدوین حسن احمدی، چاپ اول، تهران، مولف.

۴. اصطخری، ابواسحق ابراهیم. ۱۳۶۸. *مسالک و ممالک*، به اهتمام ایرج افشار، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

۵. بلاذری. ۱۳۶۴. *فتوح البلدان*، ترجمه، تعلیقات و مقدمه از محمد توکل، چاپ اول، تهران، نشر نقره.

۶. پاپلی یزدی، محمدحسین و رجبی سناجردی، حسین، ۱۳۸۹، *نظریه‌های شهر و پیرامون*، تهران، سمت.

۷. بیانی، سوسن و سید رسول موسوی حاجی. ۱۳۸۱. تاملی در اثبات یک حقیقت مهم تاریخی: تغییر در دارالحکومه از زرنگ به شهر سیستان، *مجله علمی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، شماره ۱۰۴، دوره ۵۲.

۸. توین بی: آرنولد جوزف. ۱۳۷۸. *جغرافیایی اداری هخامنشیان*، ترجمهٔ همایون صنعتی‌زاده، تهران، بنیاد موقوفهٔ دکتر محمود افشار.

۹. تیت، جی. پی. ۱۳۶۲. *سیستان، تاریخ، حدود و ثغور جغرافیایی، آثار باستانی و ذکر ساکنین آن*، جلد دوم، به اهتمام غلامعلی. رییس الذاکرین، چاپ اول، زاهدان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان سیستان و بلوچستان.

۱۰. جوزجانی، منهاج سراج. ۱۳۴۲. *طبقات ناصری*، جلد اول، به تصحیح، مقابله، تحشیه و تعلیق عبدالحی حبیبی، چاپ اول، کابل، انجمن تاریخ افغانستان.
۱۱. جیهانی، ابوالقاسم. ۱۳۶۸. *اشکال العالم*، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات از فیروز منصوری، چاپ اول، تهران، انتشارات به نشر.
۱۲. سیدسجادی، سیدمنصور. ۱۳۹۸. *دهانه غلامان: شهر هخامنشی در جنوب شرقی ایران*، تهران، آریارمنا
۱۳. سیدسجادی، سیدمنصور. ۱۳۸۴. *گزارش کاوش دهانهٔ غلامان، گروه باستان‌شناسی شهر سوخته و دهانهٔ غلامان*، زاهدان، سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان سیستان و بلوچستان.
۱۴. سیدسجادی، سیدمنصور. ۱۳۸۷. *نخستین شهرهای فلات ایران*، جلد دوم، تهران: سمت.
۱۵. سیدسجادی، سید منصور. ۲۰۰۶. *شهرسوخته: آزمایشگاهی بزرگ در بیابانی کوچک*، زابل، پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری شهر سوخته
۱۶. سیستانی، محمداعظم. ۱۳۶۴. *سرزمین ماسه و حماسه*، جلد اول، مرکز علوم اجتماعی آکادمی علوم جمهوری افغانستان، انتستیتوت تاریخ واتئوگرافی، کابل.
۱۷. سیستانی، محمد اعظم. ۱۳۴۴. نیم‌روز به نیم نگاه، *مجله آریانا*، شماره ۱۱ و ۱۲، کابل.
۱۸. علایی مقدم جواد، موسوی‌حاجی، سید رسول، مهرآفرین، رضا. ۱۳۹۵. در جستجوی اورگت‌ها (نگرشی بر هویت واقعی استقرارهای هخامنشی کشف شده در سیستان)، *مطالعات باستان‌شناسی*، دوره ۸، شماره ۱، ۱۱۳-۱۳۲
۱۹. علایی مقدم، جواد. ۱۳۹۸. جستاری در باستان شناسی قلعه سام سیستان (مطالعه معماری، گاهنگاری نسبی، بررسی ماهیت واقعی و کارکرد و جایگاه سیاسی)، *نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام*، شماره ۱، پیاپی ۷، ۹۹-۱۱۸.
۲۰. فریه، جی. پی. ۱۳۸۷. *سفر با کاروان، در: جغرافیای تاریخی سیستان (سفر با سفرنامه‌ها)*، جلد اول، ترجمه و تدوین حسن احمدی، چاپ اول، مولف، تهران.
۲۱. کخ، هایدماری. ۱۳۸۳. *از زبان داریوش*، ترجمه پرویز رجبی، تهران، شمیم.
۲۲. ملک شاه حسین سیستانی. ۱۳۸۳. *احیاء الملوک*، به اهتمام منوچهر ستوده، چاپ دوم، تهران، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۳. موسوی حاجی، سیدرسول و مهرآفرین، رضا. ۱۳۸۷. *بررسی باستان شناختی پهن دشت سیستان*، جلد ۱۶ تا ۳۰، زاهدان، سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی.
۲۴. موسوی حاجی، سید رسول و مهرآفرین، رضا. ۱۳۸۸. *جستاری در جغرافیای تاریخی سیستان (از آغاز تا سده نهم ه. ق)*، زاهدان، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری سیستان و بلوچستان.
۲۵. موسوی حاجی، سیدرسول. ۱۳۸۸. *زاهدان کهنه شهری خفته در سیستان*، مشهد، انتشارات پاژ، پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری سیستان.
۲۶. مهرآفرین، رضا و روستایی، محمد صادق. ۱۳۹۳. شهر و شهرنشینی در سیستان بزرگ در دوره اشکانی، *نشریه پژوهشنامه خراسان بزرگ*، شماره ۱۴، ۹۳-۱۰۵.
۲۷. مهرآفرین، رضا. ۱۳۹۳. *شهرهای ساسانی*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۲۸. ناشناس. ۱۳۸۷. *تاریخ سیستان*، به تصحیح ملک الشعرای بهار، چاپ دوم، تهران، انتشارات معین.
۲۹. هدایت، صادق، (بی تا)، شهرستان‌های ایران، *مجله مهر*، شماره؟، سال هفتم، بی‌تا.
30. Ctesias. 2010. *History of Persia: tales of the orient*, translated with commentaries by Lloyd Llewellyn-Jones and James Robson, First published 2010, Newyork, Routledge.
31. Fairservies. W. A. 1961. Archaeological Studies In The Seistan Basin of South Western Afghanistan And Eastern Iran, *Antropological Papers OF The American Museum Of Nathral History*, Part 1 . Vol. 48, Newyork.
32. Gnoli, G. 1993. Dahan-e Golaman, *Encyclopaedia Iranica*, Vol. VI, Fasc. 6, 582-585.
33. Herodotus. 1806. Translator William Beloe, Herodotus, Volume 4, London.
34. Mehrafarin,Reza, Mousavi Haji, S. R. 2010 . In Search of Ram Shahrestan The Capital of the Sistan Province in the Sassanid Era, *Central Asiatic Journal,* Vol. 54.
35. Sharpe, Roulph Norman. 2004. *Commands of Achaemenid kings*. Tehran: Pazineh

36. Scerrato, U. 1979 . Evidence of Religious At Dahane- e Ghulaman(Siatan), *South Asia Archaeology*, Vol. 2, Naple.
37. Scerrato, U. 1966. Excavation at Dahan- i Ghulaman (Sistan- Iran), first preliminary report (1962- 1963) , *East and West*, 16 (1-2) , pp. 9-67
38. Stronach, D. 1985. On the evolution of the early Iranian fire temple, papers in Honour of Professor Mary Boyce, *Acta Iranica,* 25 605-627.
39. Tosi, M. 1976. A topographical and stratigraphical periplus of Sahr-e Suxteh, Proceedings of the IVth Annual Symposium on Archaeological Research in Iran, pp. 130-158.